

از ملت شعر و ادب بودن خودمان بارها گفته ایم و از تأثیر ضرب المثل ها و جملات قصار در زندگی روزمره مان هم حرف های زیادی شنیده ایم. اما هر ضرب المثلی، هم ریشه در تاریخ و فرهنگ دارد و هم با مرور زمان و تکرار زیاد، بخشی از فرهنگ رفتار جمعی یک ملت می شود و خیلی از مناسبات بین آدم ها را تعیین می کند. مثلا ما می گویم بخشش از بزرگان است یا ببخش تا بخشیده شوی. در ضرب المثل ها و کلمات قصار و شعر و غزل همام عمدتا انگار سمت طرف برحق ماجرا می ایستیم که قرار است از او عذر خواهی شود. و او هم بزرگ منشا نه می پذیرد. این نظم فرهنگی در رفتار بزرگان سیاسی و اجتماعی و افراد سرشناس فرهنگی و هنری و ورزشی و مردم کف کوچه و خیابان و بین اعضای خانواده ها هم دیده می شود. اصولا او که می بخشد آدم خوب ماجراست و او که عذر خواهی کرده هیچ ارزشی تولید نکرده است. انگار هزینه اشتباه آن قدر زیاد است که حتی عذر خواهی هم آن را پاک نمی کند. برای همین هم آدم ها تمرکزشان را روی نپذیرفتن اشتباه و تیرنه خود می گذارند تا عذر خواهی! این رفتار که دیگر می توان گفت طبیعی هم شده است، با ۲ اتفاق هم زمان در این روزها از سمت ۲ نفر که به رک بودن و اظهار نظر های صریح معروف اند، کمی تغییر کرد. تغییری آن قدر مهم که پرداختن به آن در مطلبی جداگانه خالی از لطف نیست!



● از تبار تهاجم!

مسعود فراسی و حسین شریعتمداری به ترتیب منتقد و روزنامه نگارای هستند که شاید نمونه نوعی در قشر هم صنفان خود باشند که در بین مردم هم شناخته شده اند. مثلا اگر به کسی که با سینما و دنیای نقد آشنا نیست، بگویند که یک منتقد سینمایی نام ببر، حمله اند. این ۲ نفر مخالفان زیادی دارند و دوستان پروپاقرصی هم دور خودشان جمع کرده اند. اصولا آدم هایی که تند و سریع و بی لکنت و محکم حرف می زنند، جدا از

# گاهی «عذر خواهی» هم می کنند!

درباره پوزش خواستن پرسر و صدای ۲ منتقد و فعال رسانه ای



و پیگیر اخباری نیستند بخواهید که یک روزنامه نگار نام ببرند، احتمالا حسین شریعتمداری جزو گزینه های اولی خواهد بود که نامشان را می شنوید. اما چرا؟ به یک دلیل مشترک، صراحت لهجه و لحن تند این ۲ نفر در حمله بی رودربایستی و بدون لکنت به آدم هایی که فکر می کنند لایق حمله اند. این ۲ نفر مخالفان زیادی دارند و دوستان پروپاقرصی هم دور خودشان جمع کرده اند. اصولا آدم هایی که تند و سریع و بی لکنت و محکم حرف می زنند، جدا از

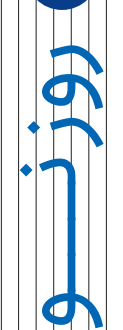
با شدید ترین تمسخرها روانه او و این شاهنامه خوانی افتضاحی شود. ۲ روز پیش و در برنامه بعدی کتاب باز اما فراسی همیشه مدعی و همیشه تندوتیز، با نگاه بالا به پایتیش، خود را شکست و حرف هایی با این مضمون زد که شاهنامه زمین بازی او نیست، او بلدش نیست و از شاهنامه دوستان و همه مردم عذر خواهی می کند! به همین راحتی. نه زمین به آسمان آمد و نه کسی بعد از آن متعرضی شد، بلکه بعضی منتقدان همیشه فراسی، او را استودند که راحت به بی اطلاعاتی و کم سوادی اش در حوزه ادبیات کلاسیک ایرانی اعتراف کرده است. همین الگو برای حسین شریعتمداری، مدیر مسئول روزنامه کیهان، هم اتفاق افتاد. شریعتمداری که با حمله های سهمگین و تیرهای تند و قلم بر نیش و کنایه اش مشهور است و تا حالا خیلی ها را به این شکل نواخته است، پس از اینکه سوء برداشتی از حرف های آیت... سیستانی درباره نظر ایشان برای نظارت سازمان ملل روی روند انتخابات عراق داشت، در یادداشتی از مواضع کوتاه آمد و آن یادداشت در روزنامه کیهان را حاصل برداشت اشتباهش دانست. باز هم اتفاقی شایسته ممکن در حال روحوانی رخ داد. حسین شریعتمداری اشتباه کرد و عذر خواهی کرد و اتفاقی نیتفاد، فراسی اشتباه کرد و عذر خواهی کرد و اتفاقی نیتفاد! شاید اگر آدم های سرشناس و از آن مهم تر مسئولان کشوری هم وقتی اشتباهی می کنند، عذر خواهی کرده و دوباره ضبط نشده و چطور در مرحله پخش بیرون کشیده نشده است، باعث شد مسعود فراسی هفته سختی را سپری کند که در آن تند ترین حمله ها



روزنامه شهرا میوزیک

SHAHARANNEWS.IR

۱۳



روزنامه

## ۲ میلیون تومان که رشوه نیست!

یکی از نمایندگان مجلس اعتقاد دارد مبالغ کم به عنوان شیرینی است و رشوه حساب نمی شود

علیرضا وفايي نيا

a.vafaenia@shahraranevsi

بعضی خبرها و اظهار نظر ها این قدر عجیب و غیر واقعی به نظر می رسد که وقتی در شبکه های اجتماعی به آن ها بر می خوریم، به طور پیش فرض آن ها را می گذاریم به حساب شیطنت کاربران اینترنتی و می گردیم دنبال منبع معتبر. ولی وقتی در منبع معتبر هم این اظهار نظر ها تأیید می شود، دیگر ماجرا بیشتر از اینکه عجیب باشد، و چه غم انگیز پیدا می کند. غم انگیز از این نظر که انگار این روزها باید منتظر هر خبر و اتفاق غیر منظره های باشیم و حتی تئوریه کردن رشوه گرفتن از زبان لگو گذار هم متعجبمان نکند. داستان به صحبت های کاظم موسوی، نماینده مردم اردبیل در مجلس شورای اسلامی، بر می گردد. این نماینده مجلس در گفت و گو با رنا درباره موضوع رشوه در ادارات و سازمان ها می گوید: «اعتقاد من بر این است که شیرینی اگر بر ملاط باشد، با رشوه یکی است و تفاوتی ندارد، اما اگر فردی یک جعبه شیرینی یا مبلغی معادل ۵۰۰ هزار تومان تا یک دو میلیون تومان پرداخت کند، فقط شیرینی محسوب می شود، همان طور که شخصی به خانه کسی می رود و به اندازه بضاعت خود هدیه می دهد.» او حتی خیلی دست و دل بازانه مبالغی را که از عرف شیرینی خارج و به حوزه رشوه وارد می شوند هم تعیین کرده و اینکه افراد مبلغ های ۱۰۰ یا ۵۰۰ میلیون تومانی در ادارات رد و بدل می کنند را مصداق رشوه می داند.

این صحبت ها موجی از انتقادها را در شبکه های اجتماعی به وجود آورد. خیلی از کاربران به این موضوع اشاره کردند که همین مبالغی که از دید این نماینده مجلس جزئی به حساب آمده است و می توان به عنوان شیرینی به آن ها نگاه کرد، کل حقوقی است که بخش زیادی از مردم در یک ماه به دست می آورند. کاربرد دیگری به این موضوع اشاره کرده است که: «در خیلی از کشورها حتی رئیس جمهورها بر اساس قانون حق گرفتن هدایای بیشتر از ۵۰ دلار را ندارند، ولی اینجا گرفتن هدیه در حد ۲ میلیون تومان در اداره ها، از نظر این نماینده مجلس امری طبیعی به شمار می رود.» کاربرد دیگری هم به شوخی گفته است که «کاش تعیین می کردند در ماه تا چندتا از این شیرینی های ۲ میلیونی بگیریم هر حد بد بودن رعایت شده است و وارد حوزه رشوه گرفتن نمی شود». جالب اینجاست که این نماینده در پایان صحبت هایش به بازران دهنده بودن مجازات های قانونی درباره رشوه هم پرداخته و در این باره گفته است: «بمنظر من ۲ ماه تا یک سال حبس تأدیبی برای رشوه گیرنده کافی نیست و باید مجازات آن ها تشدید شود.» کاش یک نفر به ایشان می گفت شما قبح گرفتن رشوه را نیز، تشدید مجازات آن پیشکش!

## «ک» مثل کرونا

آیا دانش آموزان در مدرسه به کووید ۱۹ مبتلا می شوند؟

اگر سال های گذشته تنها دغدغه والدین دانش آموزان، سرویس های مدارس، تنبیه در مدارس، مشق شب، هزینه مدارس و تعطیلی پنجنشنبه ها بود، امسال با حضور ویروس بدشگون کرونا، خواسته والدین تنها حول سلامت دانش آموزان می چرخد و هر چه از باز گشایی مدارس بیشتر می گذرد، علی رغم اظهارات ضدونقیض منتشر شده در فضای مجازی که حاکی از ابتلای دانش آموزان به کووید ۱۹ است، وزیر آموزش و پرورش با تکذیب این موضوع، آن را نه تنها رد کرده، بلکه بدون ارائه هیچ آمار، مدعی شد که تاکنون هیچ دانش آموزی در مدارس به کرونا مبتلا نشده است. روز گذشته همین موضوع دستاویز یک گزارش جنجالی با تیتر «آمار مهم کرونا در مدارس» در روزنامه جام جم شد. در این گزارش آمده است: «میان این همه اخبار کرونایی، میان آمارهایی که هر روز حوالی ساعت ۱۴ از زبان سخن گوی وزارت بهداشت شنیده می شود، جای برخی خبرها و آمارها خالی است؛ بهتر اگر بگویم، جای برخی شفاف سازی ها و روشنگری ها خالی است. ۷ ماه پس از شیوع کرونا در کشور هنوز نمی دانیم هر استان چه تعداد مبتلا و چه میزان جان باخته دارد یا هنوز نمی دانیم سهم افراد زیر ۱۸ سال از این ویروس چقدر است و به طور مشخص چه تعداد دانش آموز درگیر کرونا یا قربانی آن شده اند. این شفاف نبودن اطلاعات، این تشنگی افکار عمومی برای دانستن حلالا در چهارمین هفته باز گشایی مدارس جدی تر از قبل شده و چون پاسخی از سمت مسئولان نمی گیرد، یا به بدبینی علیه مدرسه منجر شده یا آمارهایی که از گوشه و کنار درباره کرونایی شدن دانش آموزان منتشر می شود، ملاک قضاوت قرار گرفته است. این آمار جسته و گریخته البته به شدت مخدوش است؛ آنچه گفته می شود، محدود به یک یا چند منطقه از کشور است و کل ایران را نمایندگی نمی کند، پس به این لحاظ نیز معیوب است. با این حال افکار عمومی ترجیح می دهد به همین اطلاعات ناقص استناد کند و مدرسه را جای خطرناکی بداند. تکذیب این اطلاعات و اخبار از سوی وزیر آموزش و پرورش یا مسئولان وزارت بهداشت نیز کمکی نمی کند، بلکه تنها بهانه ای می شود برای حساس تر شدن مردم.

جولان کرونا در مدارس، وحشتی است که از ۱۵ شهریور، درست از روز باز گشایی مدارس، به جان خیلی ها افتاده است. در ذهن این خیلی ها، در مدرسه می شود به ویروس مبتلا شد، می شود آن را منتقل کرد، می شود آن را با خود به خانه برد و حتی تسلیم ویروس شد و خیلی راحت، رفت میان آمار مرگ و میرهای کرونا. در این مدت خیلی چیزها به این ذهنیت دامن زد؛ از فیلم های روز باز گشایی در نقاط مختلف کشور که بچه ها لولیده در هم راه چر پروتکل بهداشتی بود را زیر پا می گذاشتند تا عملکرد ضعیف مدارس در رعایت بهداشت و فاصله گذاری که خانواده ها و دانش آموزان شاهدش هستند. اکنون تصور عمومی بر این است که حضور در مدرسه مساوی با ابتلا به کروناست و به این علت که مسئولان وزارت بهداشت با آموزش و پرورش نیز داوطلبانه آماری درباره کرونای دانش آموزی ارائه نمی دهند، وضعیت بغرنج تر شده است. به عبارت دیگر، دانش آموزان به معنی افراد ۱۸ تا ۱۸ سال کشور نیز مثل بچه ها اقشار جامعه مبتلا به کرونا می شوند و حتی در این مبارزه جبهان می یازند، ولی هیچ آمار شفافیتی از این رویداد ارائه نمی شود تا خیال مردم جمع شود.»

برای خواندن ادامه این گزارش از روزنامه جام جم، کد را اسکن کنید.



Tweets

**احسان رستمی پورا | خبرنگار**  
@chsanrostamipor

اتاق موسیقی سرد قریصره میدان نقش جهان که گفته می شه از اتاق موسیقی کاخ عالی قاپو قدیمی تره.  
#درستایش\_سقفها

**مرضیه محمودی | دبیر تجارت نیوز**  
@marziyemahmoodi

با مجموع یک سال حقوق فقط می توان یک متر و ۲۰ سانتی متر از یک #خانه را خرید!  
(حداقل حقوق سالانه ۳۱ میلیون و متوسط قیمت مسکن ۲۴ میلیون تومان است)

مدت زمان پس انداز برای خرید خانه	یک سال حقوق	یک متر و ۲۰ سانت
وام ۲۰۰ میلیون	کمیسیون ۱۶ متر	
وام ۲۴۰ میلیون	کمیسیون ۱۰ متر	
۲۶ سال حقوق	کمیسیون ۶۰ متر	

**محمد معصومیان | روزنامه نگار**  
@m\_masoumian

با این وضع ترسانک ابتلای زیاد کرونا، چند وقت دیگه باید از کسانی که نگرستن گزارش بنویسیم. آقا، خانم چه شد که کرونا نگرفتید؟

**محبوبه عظیم زاده**  
m.azimzadeh@shahraranevsi

از وقتی که رویا سر میز صبحانه روبه روی جهانگیر ایستاد و پرسید: «خاویار تون رو با چی میل می کنین سرور من؟ با لیمو ترش؟ جای بدم یا قهوه یا نسکافه؟ قهوه تون با شیر و شکر باشه یا با عسل؟» حالا بیشتر از ۱۹ سال می گذرد، ۱۹ سال از آخرین ساخته ناصر تقوایی، «کافندی خط»، که خط و خطوطش همچنان در آذهان عشاق سینما و فیلم بین های معمولی خوش نشسته است. در تمام این گذر عمر تقریبا بیست ساله اما ناصر تقوایی همان نویسنده و کارگردان محبوبی بوده که نامش همیشه با احترام و بزرگی در زبان دوست دارانش می چرخد. با این حال، خلأ کم رنگ شدن و ندیدن آثارش محسوس است و ملموس. خلایق به نظر خیلی ها دوست دارند عمیق تر و عمیق تر شود و خیلی ها دوست دارند با آثار گهربار دیگری برتر

شود و فزون تر، البته نه مشابه ناخدا خورشید و دایی جان ناپلئون که به قول همسرش «تقوایی به خودش چنان سخت می گیرد که هر گز خود را تکرار نمی کند». خودش در مستندی که سال ها پیش راجع به او ساخته شد، می گفت: «تنها شانس من در زندگی شاید این بوده است که با یک تولد ناخواسته نیم قرن تمام مثل یک آدم زیادی در کنار یک ملت کهن سال زندگی کردم.» زندگی ای که حسابی با سینما عجین شد و البته سخت گیری های مختص خودش، طوری که معتقد است: «کار کردن اصولا سخت است. الان یک عده می روند سر صحنه و دور خودشان می چرخند و می آیند و می گویند: گرفتیم! یکی هم نیست ببرسد: گرفتید! اما چی گرفتید؟! ناصر خان تقوایی حالا مدت ها است که بیشتر در حریص زندگی شخصی خودش بسر می کند، اما از نوشتن و ادبیات که پشتوانه خوبی برای ورود او به سینما هم بوده، غافل نشده است. آن قدر که به قول خودش: «همسر من داند چقدر کار نوشته شده دارم، اما نمی توانم آن ها را چاپ کنم.» البته به انضمام دلیل دیگری که بجز آن حسابی به تن او و هم مسلکانش خورده است: «تا وقتی سانسور این طور باشد، نمی توانم کار کنم.» حالا هر از گاهی نیمچه خبری از این طرف و آن طرف به گوش می رسد که ناصر تقوایی احوال خود ندارد. ۲ ماه پیش را خاطر تان هست؟ وقتی یکی از منتقدان سینما مطلبی را در یکی از روزنامه ها به رشته تحریر در آورد که تقوایی این روزها ناخوش است. اینکه عزت نشینی پیشه کرده

است و این روزها حال خوشی ندارد، چون حال خوش از خلق کردن و کار کردن ناشی می شود و اینکه سال هاست می نویسد، اما فقط برای کنوش میزش! به نظر می می رسید این صحبت ها بیشتر محض زدن تلنگری کوچک برای از یاد نبردن تقوایی و جایگاه بلندمرتبه اش در سینمای ایران بود، اما وکیل تقوایی رسما به این نوشته مکتوب واکنش نشان داد و گفت: «هدتی است به اختیار از تدریس و هر گونه فعالیت اجتماعی دست کشیده است و اکنون بنا به تصمیم پزشکان متخصص، ایشان به آرامش نیاز دارند.» و کیش همچنین گفت که این صحبت ها امکان پیگیری قانونی را برای ناصر تقوایی و همسرش ایجاد می کند و او هر زمان که قصد کار داشته باشد با تصمیم خود به فعالیت باز خواهد گشت. حالا مدت زیادی از این صحبت ها و حاشیه های آن نگذشته است که دومر تبه بحث سلامتی این کارگردان صاحب نام به گوش می رسد. این مرتبه بهمن بابا زاده، خبرنگار حوزه موسیقی، توثیقی زده و از تقوایی گفته است که اینکه: «هیچ خبری نمی تواند غمگین تر از خبر آلزایمر ناصر تقوایی باشد. مطلقا هیچ خبری.» صحبتی که فعلا به صورت محدود واکنش هایی هم در فضای مجازی داشته و اگر صحت و سقم آن از منابع معتبرتری تأیید شود، به یقین حجم واکنش ها را بیشتر هم می کند. کاربری در فضای مجازی نوشته بود: «آقای تقوایی، لطفا دوباره بیان بگین که من زندگیم بر عکسه، از بیری به جوانی حرکت می کند و خلاصه که احوالم خیلی خوبه. مطمئنون کنین لطفا.»